

## نقش‌های جنسیتی زن و مرد در نظام خانواده

علی‌احمد پناهی\*

### چکیده

هدف این پژوهش، تعیین جایگاه همسران در نظام خانواده از منظر آموزه‌های دینی، با نگاهی روان‌شناختی است که با روش تحلیلی - توصیفی انجام می‌گیرد.

نظام خانواده و نقش‌های جنسیتی همسران، همانند سایر نظام‌های انسانی و اجتماعی دارای یک سازمان است. در هر سازمان، هر فرد برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد که نشانه قدرت و تأثیر او بر دیگران است. در نظام خانواده نیز هر فرد با توجه به نقش ویژه‌ای که دارد، باید تکالیف و وظایف خاصی را انجام دهد. همچنین جایگاه و سلسله مراتب افراد در آن خانواده مشخص است. بسیاری از صاحب‌نظران خانواده، مانند مینوچین، جی هی لی و گلدنبرگ، وجود سلسله مراتب شفاف و صریح درون خانوادگی و ایفای نقش‌های متناسب را پیش‌فرض کارایی و بالندگی خانواده می‌دانند. ملاک سلامت و بهنجاری خانواده در نگاه آنها، قرار گرفتن اعضای خانواده، به ویژه همسران، در نقش‌ها و سلسله مراتب متناسب است. در آموزه‌های دینی توجه ویژه‌ای به نقش‌های جنسیتی همسران شده است که این پژوهش به بررسی آنها می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** همسران، جنسیت، نقش، آموزه‌های دینی، استحکام.

## مقدمه

نهاد خانواده، اصلی‌ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ‌های گوناگون، تربیت‌های مختلف، زمینه‌ساز شکوفایی استعداد‌های بالقوه اعضای آن و و نیز زمینه‌ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان‌ها و اعضای خود است. زن و شوهر (همسران) به عنوان ارکان اصلی و اولیه تشکیل خانواده، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در پویایی، استحکام، امنیت، سازمان‌دهی، آرامش روانی و رشد ابعاد مختلف شخصیتی اعضای خانواده دارند.

اگر در نظام خانواده هر فردی، به ویژه زن و شوهر، در نقش و موقعیت متناسب و شایسته خودش قرار نگیرد، آن خانواده به اهداف و کارکردهای مورد انتظار نخواهد رسید و دچار بحران مدیریتی خواهد شد. خانواده در شرایطی می‌تواند به پیشرفت، کامیابی و موفقیت برسد که زن و شوهر در نقش متناسب خودشان قرار گیرند؛ نقشی که با توانمندی‌های جسمانی و روان‌شناختی آنان سازگار است. در این صورت، می‌توان توقعات و انتظارات بجا و منطقی از آنان داشت و آنان نیز قادر خواهند بود نقش‌های خود را به خوبی ایفا کنند.

در رابطه با خانواده و شکل‌گیری و تحکیم آن، مباحث گوناگونی مطرح است. از جمله مباحث اساسی در خانواده، نقش و جایگاه اعضای خانواده، به ویژه همسران (زن و مرد) به عنوان ارکان اصلی خانواده، قابل توجه و دقت است. تعیین نقش هریک از همسران و التزام آنان به این نقش‌ها، از علل اصلی در استحکام و ثبات خانواده است. از این رو، مسئله مهم در این تحقیق تعیین نقش‌های همسران در نظام خانواده است. این مقاله درصدد پرداختن به نقش‌های مختلف هریک از زن و مرد (همسران) در نظام خانواده از دیدگاه آموزه‌های دینی و با رویکردی روان‌شناختی است که این مهم از نوآوری‌های این پژوهش می‌باشد.

## پیشینه پژوهش

در این قسمت از بحث به صورت اجمالی به مقالات، کتاب‌ها و مباحثی می‌پردازیم که به نوعی با موضوع موردنظر، یعنی نقش‌های زن و مرد (همسران) در نظام خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی، مربوط می‌شود. در نهایت، با اشاره به خلأ اساسی و سؤال اساسی در این بحث، خواهیم گفت که پژوهش حاضر به دنبال چیست. براساس تعالیم اسلامی، خداوند متعال از ابتدای حیات بشر،

پیامبرانی را از میان انسان‌ها برای راهنمایی و هدایت آنها برگزیده است. از جمله تعالیمی که پیامبران به بشریت ابلاغ نموده‌اند، قوانین خانواده و مسئولیت اعضای خانواده و نقش‌های افراد است.

دانشمندان مسلمان و دانش‌پژوهان اسلامی نیز از صدر اسلام تاکنون به مباحث خانواده، جایگاه افراد، نقش‌های اعضای خانواده و... پرداخته، هریک به گوشه‌ای از نیازهای خانواده توجه نموده‌اند. در اینجا به نمونه‌هایی از نظریات، کتاب‌ها و مقالاتی که در این عرصه نگارش شده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۱. ابن‌سینا: این دانشمند بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری، در تألیفات خود به اهمیت خانواده، ارکان آن و نقش‌های اعضای خانواده پرداخته است.

۲. غزالی: این دانشمند قرن پنجم هجری، در ضمن مباحث اخلاقی، به آداب زندگی خانوادگی پرداخته است.  
۳. خواجه نصیرالدین طوسی: وی که از دانشمندان قرن هفتم هجری است، در مورد نقش‌های مردانه و برخورد با زن سه امر هیبت، تکریم و اشتغال زن را لازم می‌داند.

۴. شهید مطهری: ایشان در تألیف‌های خود به مسئله ازدواج و خانواده، اهمیت فراوانی داده و به تبیین قوانین

آیات قرآنی به تفاوت‌ها و مشترکات تکوینی، غایی و گرایشی زن و مرد پرداخته‌اند.

۸. حسین بستان: این محقق در کتاب **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده** که در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است، به دیدگاه اسلام و جامعه‌شناسی در رابطه با انواع خانواده، کارکردهای خانواده، استحکام خانواده، وظایف اعضای خانواده و آسیب‌های خانواده پرداخته و در برخی قسمت‌های بحث، به نقش‌های اعضای خانواده نیز اشاره کرده است.

۹. محمدرضا سالاری‌فر: این محقق که بیشتر به مباحث خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی معطوف است، در کتابی با همین عنوان که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است، ضمن اشاره به نگاه اسلام به ازدواج و جایگاه خانواده در اسلام و روان‌شناسی، به ارکان خانواده و سلسله مراتب در خانواده به صورت گذرا و اجمالی پرداخته است.

به طور کلی، از مجموعه نظریات و تحقیقات انجام‌شده، که به برخی از آنها اشاره شد، می‌توان گفت: در این مباحث به صورت اجمالی به سلسله مراتب در خانواده، ریاست مرد، حد و مرزهای افراد خانواده، وظایف اعضای خانواده، تفاوت‌ها و مشترکات زن و مرد از دیدگاه اسلام و... پرداخته شده است. اما یکی از مباحثی که به صورت دقیق و جامع به آن پرداخته نشده و جای تحقیق و تفحص جدی دارد، «تعیین نقش زن و مرد در نظام خانواده از دیدگاه اسلام با نگاهی روان‌شناختی» است. تحقیق حاضر به صورت مبسوط به این بحث می‌پردازد. از این رو، سؤال اصلی پژوهش این خواهد بود: نقش و جایگاه زن و شوهر در نظام خانواده از دیدگاه آموزه‌های اسلام چیست؟

اسلام با توجه به نیازهای انسان در عصر حاضر پرداخته است. به نظر وی، دین اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی، آمادگی کامل را برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر، داشته باشد. زن یا مردی که در این امور کوتاهی کند، مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است. به اعتقاد شهید مطهری، از میان ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه خود را به بعد جنسی زندگی خانوادگی معطوف کرده و این امر را مقدس شمرده است. در بعد عاطفی، محیط خانواده محل بروز عمیق‌ترین روابط و منشأ روابط عاطفی در اجتماع است.

از نظر ایشان، مرد و زن می‌باید در نقش‌ها و موقعیت‌های شایسته خودشان قرار گیرند و هر فرد به وظایف ویژه خود که تناسب با خلقت او دارد، بپردازد.<sup>(۱)</sup>

۵. محمدرضا زیبایی‌نژاد: وی در تألیفات و مقالات خود ضمن اشاره به جایگاه خانواده در اسلام، به تفاوت‌های تکوینی، زیستی، حقوقی و... زن و مرد پرداخته است. همچنین به نقش زن در خانواده توجه نموده و با نقد تفکرات فمینیستی در رابطه با جایگاه و منزلت زن، جایگاه زن مسلمان در آموزه‌های دینی را تبیین نموده است.<sup>(۲)</sup>

۶. غلامرضا صدیقی اورعی: این محقق در کتاب **تمکین بانو، ریاست شوهر**، ابتدا به مبانی فقهی و حقوقی تمکین زن پرداخته و سپس به مباحث جامعه‌شناسی در رابطه با نقش زن در خانواده به صورت اجمالی اشاره نموده است. وی همچنین به مبانی حقوقی و فقهی ریاست شوهر نیز اشاره کرده و از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داده است.<sup>(۳)</sup>

۷. اسدالله جمشیدی و غلامعلی عزیزی‌کیا: این دو محقق در کتابی تحت عنوان **جستاری در هستی‌شناسی زن** که در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است، با استفاده از

## تعریف مفاهیم

مراد و منظور از نقش همسران (زن و مرد) در نظام خانواده یعنی: موقعیت، توقعات و کارهایی که از آنان انتظار است. به عبارت دیگر، یعنی: موقعیتی که در خانواده دارند و به تناسب این موقعیت، توقعات و کارهایی از آنان انتظار می‌رود.

منظور از واژه «همسران» در عنوان موضوع، به لحاظ وضع کنونی خانواده (خانواده هسته‌ای که مرکب از شوهر، زن و فرزندان است) عنوان شوهری مرد و همسری زن می‌باشد که به عنوان شوهر و زن، ایفای نقش می‌کنند.

خانواده به عنوان کهن‌ترین و پدیده‌ترین نظام در جوامع بشری مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین بستر و زمینه برای تأمین نیازهای جسمانی، روان‌شناختی و تربیتی اعضای خود است.

## نقش‌های مرد و زن در خانواده

### ۱. نقش همسری

در منظر اسلام، دو گونه نقش برای همسران تعریف شده است: یکی، نقش‌ها و وظایف عام و دیگری، نقش‌ها و وظایف خاص. نقش همسری از وظایف عام است که هم مرد و هم زن می‌باید به آن ملتزم باشند و در عرصه‌های مختلفی آن را عملیاتی نمایند.

### نمودهای همسری در آموزه‌های دینی

علاوه بر فهم عرفی از نقش همسری،<sup>(۴)</sup> در آموزه‌های دینی نیز به مصادیق و نمودهایی اشاره شده که مربوط به نقش همسری مرد در نظام خانواده می‌شود. در این قسمت، به نمونه‌هایی از این مصادیق اشاره می‌شود و در پایان جمع‌بندی ارائه می‌گردد.

الف. حسن معاشرت: یکی از حقوق و وظایف متقابل و مشترک زوجین حسن معاشرت نسبت به یکدیگر است. به عبارت دیگر، زن وظیفه دارد با شوهرش به نیکی معاشرت نماید و نیز حق دارد از شوهر خویش حُسن معاشرت بخواهد. مرد نیز حق دارد از همسر خویش تکریم و حسن معاشرت طلب نماید و در مقابل، موظف است به نیکی و مهربانی با همسرش رفتار کند.

در زندگی زناشویی یکی از دستورات اخلاقی که بسیار مورد تأکید قرآن کریم و پیشوایان دین می‌باشد - تا جایی که این دستور اخلاقی جنبه حقوقی و تکلیفی پیدا نموده - مسئله «حُسن معاشرت» و «خوش رفتاری» با یکدیگر است. اهمیت و نقش حیاتی حُسن معاشرت در زندگی زناشویی تا آنجاست که به شکل ماده‌ای از قانون مدنی در آمده و ضمانت اجرایی دارد. در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده است: «زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند.»

در زندگی زناشویی آنچه بیش از همه اهمیت دارد آن است که زن و شوهر خودشان را متعلق به یکدیگر بدانند و هریک سعادت و خوشبختی دیگری را سعادت و خوشبختی خویش بدانند و بدبختی و گرفتاری دیگری را گرفتاری و غم خویش به حساب آورد. اگر هر دو با این دیدگاه به زندگی زناشویی گام نهند و همین‌گونه ادامه دهند، بدون تردید، زوج موفق و خوشبخت و سعادت‌مند خواهند بود و در پرتو این خوشبختی اولاد صالح نیز به جامعه تحویل می‌دهند.

بنابراین، حسن معاشرت حق و وظیفه طرفینی است؛ زن باید با شوهرش به نیکی معاشرت کند و با اخلاق خوش و چهره بشاش برخورد نماید و مرد نیز می‌باید همین‌گونه باشد. اسلام به احسان به خانواده دعوت می‌کند و هرچه را به بنیان خانواده زیان برساند حرام

نیز دربارهٔ اکرام زن می‌فرمایند: «کسی که زنی را به همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید.»<sup>(۹)</sup> امام سجاده علیه السلام هم در این باره می‌فرمایند: «حق زن بر مرد آن است که بداند خداوند زن را مایهٔ آرامش و انس مرد قرار داده و بداند که زن نعمتی الهی می‌باشد؛ پس باید او را اکرام کرده و نسبت به او مهربان باشد.»<sup>(۱۰)</sup>

**ج. مهربانی و محبت:** محبت و مهربانی به همسر یکی از راه‌کارهای اساسی در شیرینی و شادکامی زندگی زناشویی و یکی از آموزه‌های اخلاقی اسلام است. این شاه‌کلید خوشبختی گرچه دوجانبه بوده و زن و مرد - هر دو - موظف هستند به آن ملتزم باشند، اما چون زن عاطفی‌تر و احساسی‌تر از مرد بوده و وجودش لطیف‌تر از مرد است، نیازش به محبت و مهربانی، بیش از مرد می‌باشد. ترحم و مهربانی به همسر اکسیری کم‌نظیر است و تأثیری که در نزدیکی دل‌ها و در ایجاد صمیمیت دارد، کم‌بديل است. این تأثیر شگرف به این دلیل است که انسان ذاتاً تشنهٔ دوستی و محبت است و یکی از نیازهای روانی انسان تعلق و دوستی می‌باشد. محبت، انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات‌های طاقت‌فرسای زندگی است. انسان همان‌گونه که از محبت خویش به دیگران لذت می‌برد، پیوسته در تلاش است که محبت دیگران را نیز نسبت به خود جلب کند. انسان می‌خواهد او را دوست داشته باشند و اگر احساس کند که هیچ‌کس به او علاقه ندارد، جهان با همهٔ وسعتش برای او تنگ و تاریک می‌شود.

برخی از روان‌شناسان نظیر آبراهام مزلو و کوپینگ نیاز به محبت و تعلق‌پذیری را از نیازهای اساسی و از نیازهای روان‌شناختی تلقی کرده‌اند و اعتقاد دارند که ارضای این نیازها در آرامش روانی و سلامتی روانی افراد تأثیر اساسی دارد.<sup>(۱۱)</sup>

می‌داند. خداوند می‌فرماید: «با همسران خوش‌رفتاری کنید.»<sup>(۵)</sup> و نیز می‌فرماید: «به زنان زیان وارد نسازید که زندگی برایشان سخت شود.»<sup>(۶)</sup> همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین شما بهترین کس برای خانواده‌اش هست، و من برای خانواده‌ام بهترینم.»<sup>(۷)</sup>

**ب. احترام و تکریم:** احترام و تکریم یکدیگر، از آموزه‌های اخلاقی دوجانبه در روابط همسران است؛ یعنی همان‌گونه که زن وظیفه دارد به شوهر خود احترام بگذارد و رعایت شأن و منزلت او را به عنوان همسر، مدیر خانواده و پدر فرزندان داشته باشد، مرد نیز متقابلاً می‌باید زن را تکریم کند و منزلت همسری و مادری او را رعایت نماید. هر فردی (چه زن و چه مرد) به شخصیت و منزلت خویش علاقه‌مند است و از خدشه‌دار شدن آن رنج می‌برد. در پرتو تکریم و احترام متقابل، حدود و جایگاه افراد حفظ می‌شود و لطمه‌ای به شخصیت آنان وارد نمی‌گردد. رعایت این اصل (احترام متقابل) دربارهٔ همسران که به طور طبیعی سالیان زیادی با همدیگر انس، الفت و معاشرت دارند، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند و رعایت آن باعث استحکام و ثبات بیشتر خانواده می‌گردد. زن و شوهر هرگز نباید به دلیل ارتباط و انس زیاد با یکدیگر، از این امر غفلت نمایند، بلکه به دلیل همین ارتباط زیاد، موظف هستند شأن و موقعیت یکدیگر را درک و رعایت کنند.

در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی هم به مردان و هم به زنان دربارهٔ تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را آزار و اذیت کند و سعادت‌مند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در همهٔ حالات اطاعت و فرمان‌برداری نماید.»<sup>(۸)</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

از منظر اسلام، اساس و شالوده زندگی خانوادگی بر محبت استوار است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: از نشانه‌های قدرت خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. (۱۲) بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت است و بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده به ویژه همسران به یکدیگر است. از این رو، در آموزه‌های دینی به کثرت توصیه شده تا همسران، به ویژه مردان، نسبت به همدیگر اظهار محبت و مهربانی کنند و این محبت خود را آشکار سازند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با زنان مهربانی کنید و دل‌هایشان را به دست آورید تا با شما همراهی کنند و هرگز آنان را مجبور و خشمگین نکنید.» (۱۳) آن حضرت در روایت دیگری فرمودند: «اگر مردی به همسرش بگوید: "دوستت دارم" هرگز از قلب او خارج نمی‌شود.» (۱۴)

همچنین حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه کسی را دوست داشتی، او را بدان آگاه ساز؛ زیرا این کار، دوستی را در میان شما استوارتر می‌سازد.» (۱۵)

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «زن باید با اظهار علاقه و با دلربایی و آرایش در برابر شوهر به گونه‌ای عمل کند که رضایت و خشنودی شوهر جلب شود.» (۱۶)

د. پرهیز از آزار همسر: رعایت حدود و حقوق همسر و آزار نرساندن به او (چه آزار جسمی و چه زبانی)، از وظایف اخلاقی دو طرفه است که همسران می‌باید آن را رعایت نموده و بدان ملتزم باشند. زن باید از هرگونه

عملی که باعث رنجش خاطر شوهر می‌شود، بپرهیزد و توجه داشته باشد که چنانچه شوهر از کاری، حرفی و حرکتی ناراحت می‌شود، آنها را انجام ندهد. زن باید زبان خود را کنترل کرده و از زخم زبان، طعنه، متلک، کنایه زدن و هر عملی که به نوعی تخریب‌کننده عواطف و شخصیت شوهر است، اجتناب ورزد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «بدا به حال زنی که شوهرش را عصبانی کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.» (۱۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: بهترین زنان شما، آن زنی است که اگر شوهرش خشمگین شود به او (شوهر) بگوید: دستم در دست توست و اختیار من به دست توست؛ خواب نخواهم رفت تا از من راضی شوی. (۱۸)

همچنین امام صادق علیه السلام درباره عواقب بدزبانی همسر فرمودند: سه چیز زندگی را تیره و تار می‌گرداند: حاکم ستمگر، همسایه بد و زن بددهن و فحاش. (۱۹)

از سوی دیگر، مرد نیز وظیفه دارد از ناسزاگویی، نیش زدن و هر کاری که آزار و اذیت به حساب می‌آید پرهیز نماید. مرد حق ندارد همسر خود را تشبیه بدنی کند؛ زیرا تشبیه بدنی همسر، عواطف موجود در میان همسران را ضایع می‌کند و نفرت و بدبینی می‌آفریند. همچنین دل بستگی زن به زندگی را کم‌رنگ کرده و او را دچار عقده روانی می‌سازد، به گونه‌ای که به مرور زمان از چنین مردی نفرت عاطفی پیدا می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آثار تشبیه زن می‌فرمایند: «هرکس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به مالک (آتشبان) جهنم دستور می‌دهد تا هفتاد سیلی به صورت او بزند.» (۲۰) و در جای دیگر فرمودند: «کسی که همسر خود را بدون دلیل بزند، در روز قیامت، من دشمن او خواهم بود. زنانان را نزنید. کسی که زنش را بدون دلیل بزند، خدا و رسولش را عصیان کرده است.» (۲۱)

## ۲. نقش پدری

منزلت، به پایگاه اجتماعی یک فرد در یک گروه و در یک جمع، اطلاق می‌شود. همچنین پایگاه منزلتی فرد است که حقوق و مزایای یک شخص را معین می‌کند. نقش، به آن رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارندهٔ یک منزلت معین، انتظار دارند.<sup>(۲۲)</sup> نمودهای نقش پدری را در عناوین زیر می‌توان بیان کرد:

**الف. نقش اقتصادی:** از جمله وظایف و تعهدات مرد پس از ازدواج، نفقه و تأمین نیازهای اقتصادی خانواده است. نفقه از وظایف ویژهٔ مرد بوده و از حقوق قطعی زن و اعضای خانواده می‌باشد. نفقه از چیزهایی است که علاوه بر وجوب شرعی و الزام دینی، از نظر قانونی نیز بر مرد لازم و واجب است تا آن را بپردازد؛ یعنی نفقه علاوه بر پشتوانهٔ شرعی، از پشتوانهٔ حکومتی و قضایی نیز برخوردار بوده و چنانچه مردی نفقهٔ واجب همسر خود را نپردازد، قانون او را ملزم به این کار خواهد کرد.

**ب. نقش تأمین امنیت و حمایتی:** در آموزه‌های دینی در خصوص نقش حمایتی پدر و همچنین نقش تأمین امنیت خانواده، به ویژه فرزندان، توصیه‌های وجوبی و استجابی وجود دارد که به نوعی در راستای تأمین امنیت روانی و جسمانی اعضای خانواده و نیز در جهت حمایت اجتماعی آنان است. دستوراتی مثل استحباب عقیقه کردن گوسفند برای نوزادان در روز هفتم،<sup>(۲۳)</sup> واجب بودن نفقه و مخارج زندگی فرزندان بر پدر<sup>(۲۴)</sup> (تا سنین خاص)، تأمین مسکن همسر و فرزندان (مسکنی امن و متناسب با شأن)، تأکید بر ارزش‌هایی مانند احسان و یاری فرزندان و همین‌طور تأمین امنیت روانی، اخلاقی و جانی فرزندان<sup>(۲۵)</sup> و همسر و تدبیرهای ویژه‌ای مانند قرار دادن دیهٔ جنایات غیرعمدی فرزندان بر عهدهٔ خویشاوندان پدری،<sup>(۲۶)</sup> همه در راستای تأمین امنیت

روانی و جانی اعضای خانواده بوده، از وظایف و نقش‌های حمایتی پدر به شمار می‌آیند.

## ۳. نقش ولایتی

یکی دیگر از نقش‌های پدر در خانواده، نقش ولایت است. تعیین دقیق مفهوم ولایت بر فرزندان صغیر یا مجنون و گسترهٔ آن، به بررسی مستقلی نیاز دارد که از دایرهٔ بحث کنونی خارج است. از این رو، به همین اشاره بسنده می‌کنیم که ولایت در مفهوم وسیع آن به نوعی اختیار در تصرف در اموال یا شئون شخص دیگر اشاره دارد و مراتب آن نیز از نظر شدت و ضعف متفاوت است. مراتب بالاتر ولایت شامل ولایت بر تصرف در اموال و ولایت بر تزویج، و مراتب پایین‌تر آن شامل اموری همچون حق حضانت و نگهداری و حق کنترل و تأدیب کودک است.

از نظر روایی، این مطلب قابل تردید نیست که مراتب ولایت با یکدیگر تلازمی ندارند و به طور خاص دربارهٔ ولایت و حضانت، اثبات هیچ کدام مستلزم ثبوت دیگری نیست. برای نمونه، در روایت معتبری که در سطور بعد به آن اشاره می‌کنیم، بین حضانت مادر پس از مرگ پدر و ولایت وصی بر اموال فرزند به صراحت تفکیک شده است و از این رو، ثبوت همزمان ولایت و حضانت برای دو شخص (پدر و مادر یا جد پدری و مادر یا وصی و مادر) بی‌اشکال است. از نظر فقها نیز چنین تفکیکی مسلم تلقی شده است؛ یعنی با وجود تصریح فقها بر اینکه حضانت از مراتب یا اقسام ولایت است، همواره به تفکیک این دو پایبند بوده‌اند؛ از جمله تصریح کرده‌اند که ولایت جد پدری بر اموال کودک (پس از مرگ پدر) مستلزم حق حضانت نیست و اولویت مادر در حضانت را از بین نمی‌برد.<sup>(۲۷)</sup> و یا در مورد کودک سرراهی، حق

حضانت را برای یابنده و متکفل او ثابت دانسته‌اند، ولی مراتب بالاتر ولایت را نفی نکرده‌اند.<sup>(۲۸)</sup> به هر حال، آنچه در اینجا مدنظر است، تنها بررسی ابعاد جنسیتی این مسئله است.

تمایز پدر و مادر در مراتب بالاتر ولایت بر فرزندان، یعنی ولایت بر تصرف در اموال فرزند صغیر یا مجنون و ولایت بر تزویج او، مورد اجماع همه علمای شیعه و اکثر قریب به اتفاق علمای اهل سنت است.<sup>(۲۹)</sup> افزون بر اجماع، در روایات نیز می‌توان شواهدی بر این مطلب یافت؛ از جمله روایتی صحیح‌السند متضمن این مطلب است که پس از مرگ پدر با وجود آنکه کودک در حضانت مادر قرار دارد، ولایت کودک در اختیار وصی پدر است.<sup>(۳۰)</sup> همچنین بر حسب برخی روایات معتبر، ازدواج کودکان نابالغ فقط در صورتی صحیح و نافذ است که عقد توسط پدران آنها انجام گرفته باشد.<sup>(۳۱)</sup> از این گذشته، رجوع به اصل عملی نیز که در آخرین مرحله استدلال فقهی و برای رفع شک صورت می‌گیرد، همین نتیجه (تمایز بین پدر و مادر) را اقتضا می‌کند؛ زیرا ولایت پدر و جد پدری بر فرزند صغیر یا مجنون قطعاً ثابت است، اما ولایت مادر با قطع نظر از ادله یادشده مشکوک است و از این رو، حکم به عدم ولایت مادر می‌شود؛ چون مفاد اصل عدم ولایت این است که هیچ‌کس بر دیگری ولایت ندارد، مگر اینکه دلیل شرعی اثبات ولایت کرده باشد.<sup>(۳۲)</sup> بنابراین، نمی‌توان با سخن برخی از نویسندگان موافقت کرد که منکر وجود دلیلی روشن بر این مطلب شده‌اند.<sup>(۳۳)</sup>

#### ۴. نقش آموزشی و تربیتی

نقش آموزشی و تربیتی والدین که از نقش‌های مهم و قابل توجه است، از زمان تولد فرزندان و حتی پیش از آن آغاز می‌گردد. تفکیک هریک از والدین از دیگری در ایفای

نقش آموزشی و تربیتی بسی مشکل است، گرچه می‌توان در مواردی آن را تفکیک کرد. در این قسمت از بحث، به نمونه‌هایی از مسائل که مربوط به نقش آموزشی و تربیتی والدین، به ویژه پدر، است اشاره می‌گردد:

**الف. گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند:** یکی از کارهای پسندیده و دارای ثواب، این است که بعد از به دنیا آمدن فرزند، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفته شود. این کار بدون شک، آثار روحی و تربیتی زیادی در نوزاد دارد و در واقع، اولین محرک صوتی که به دستگاه روانی او وارد می‌شود، ذکر خدا و نام نورانی حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام است. این اسما و کلمات نورانی در روح کودک منعکس شده و فطرت خداجوی او را سیراب می‌کند و بستر را برای گرایش به معنویت و خدامحوری آماده‌تر می‌سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند: «کسی که صاحب فرزند شود، در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه؛ چراکه این عمل، فرزند را از شر شیطان مصون می‌دارد.»<sup>(۳۴)</sup> در آموزه‌های روان‌شناختی نیز می‌توان به تحلیل زیبایی در این زمینه پرداخت، از جمله اینکه صاحب‌نظران روان‌شناسی اعتقاد دارند: نوزادی که تازه به دنیا آمده، صداها را می‌شنود و این صداها را تشخیص داده و واکنش نشان می‌دهد. همچنین براساس نظر پیائزه، محرک‌های محیطی، از جمله محرک‌های صوتی و دیداری، در شکل‌گیری روان‌بنه‌های اولیه تأثیر دارند و کیفیت شکل‌گیری روان‌بنه‌های اولیه در شناخت‌های بعدی نوزاد و کودک تأثیر دارد.<sup>(۳۵)</sup> از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که وقتی اسمای نورانی خداوند و اولیای خدا در کلمات اذان برای کودکان خوانده می‌شود، ذهن کودک در فضای نورانی و کلمات معنوی قرار می‌گیرد و در شناخت‌های بعدی او تأثیر خواهد داشت.



بی‌شماری از اهل بیت علیهم‌السلام به این مهم اشارت رفته است. از امام کاظم علیه‌السلام چنین روایت شده: «مردی دست فرزندش را گرفته به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق این فرزندم بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی؛ تربیتش نیکوگردانی؛ او را در جایگاه خوبی قرار دهی.» (۳۸)

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «بی‌تردید، اگر هر یک از شما به تربیت فرزند خود پردازد، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیم صاع (گندم یا جو یا...) در راه خدا صدقه بدهد.» (۳۹)

د. آموزش خواندن و نوشتن: از دیگر حقوقی که فرزند بر پدر دارد، بهره‌مند شدن از نعمت خواندن و نوشتن است. برای ادای این وظیفه، پدر باید یا خود شخصاً بدین کار اقدام نماید و یا هزینه‌ای صرف آموزش فرزند خود کند. در روایاتی که در این زمینه وارد شده، از خواندن و نوشتن به عنوان حق و تکلیف یاد شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «سه حق از حقوقی که فرزند به گردن پدر دارد این است که نام خوبی برایش انتخاب کند، نوشتن یادش دهد و پس از بلوغ زمینه ازدواج او را فراهم کند.» (۴۰)

ه. آموزش نماز: از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمودند: «فرزندان خود را با زبان بر نماز و وضو عادت دهید، و اگر به سن ده سالگی رسیدند آنها را برای واداشتن به نماز بزنید ولی از سه ضربه تجاوز نکنید.» (۴۱)

معاویة بن وهب گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: در چه سالی کودک را وادار به نماز می‌کنند؟ امام فرمود: «بین شش و هفت سالگی.» (۴۲)

و. آموزش قرآن: قرآن آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را دربر دارد. قرآن سفره گسترده و غذای آسمانی و گنجینه حقایق و اسرار الهی

ب. انتخاب نام نیک: از دیگر سنت‌هایی که در آغاز تولد نوزاد مورد توجه پدر و مادر قرار می‌گیرد مسئله انتخاب نام است. انتخاب نام مسئله ساده‌ای نیست. پدر و مادر باید فکر کنند که این نوزاد در آینده به طور مستمر با این نام سروکار خواهد داشت، پدر و مادر و دیگران او را با این نام صدا خواهند کرد و نام وسیله‌ای برای توجه به شخصیت طفل خواهد بود. اگر نامی مستهجن و مورد نفرت مردم باشد بی‌شک، مورد تمسخر قرار گرفته و اسباب رنج روحی و آزرده‌گی خاطر کودک خواهد شد. طبیعی است که کودک علل این ناراحتی‌ها را از بی‌توجهی پدر و مادر در انتخاب نامش بداند. از این رو، باید دقت کرد تا از نام‌های خوب استفاده شود؛ همچنان‌که در روایات وارد شده: برای فرزندان خود از بهترین نام‌ها استفاده کنید و بهترین نام‌ها آن است که نشانه بندگی و عبودیت پروردگار و یادآور فضایل و مکارم اخلاقی باشد. بدین منظور، نام‌های انبیا و صلحا و نیکان و همچنین نام‌های امامان معصوم علیهم‌السلام و فاطمه زهرا علیها‌السلام که احیاکننده گوشه‌هایی از فرهنگ و شعائر اسلامی است مناسب بسیار دارد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هیچ نوزادی برای ما متولد نمی‌شود، مگر اینکه نخست او را "محمد" می‌نامیم و پس از هفت روز، اگر خواستیم نامش را تغییر می‌دهیم، وگرنه همان نام را بر او باقی می‌گذاریم.» (۳۶)

ابن عباس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کند که فرمود: «حق فرزند بر پدر آن است که نام خوبی بر او بنهد و به بهترین شکل تربیتش نماید.» (۳۷)

ج. ادب‌آموزی: یکی از مسائل بسیار مهم زندگی هر انسانی، این است که نسبت به تربیت فرزندانش خود احساس مسئولیت کند و در ادب‌آموزی آنان اهتمام ورزد؛ این حقی از حقوق فرزند بر والدین است. در روایات

توجه خاص اسلام به میل جنس زن است. (۴۹)

در آموزه‌های دینی علاوه بر وجوب آمیزش جنسی در شرایط خاص، به اجر و پاداش و ثواب آمیزش جنسی نیز اشاره گردیده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: با همسرت مجامعت و آمیزش کن تا ثواب ببری. ابوذر تعجب کرد و گفت: یا رسول الله، مجامعت کنم خدا به من پاداش می‌دهد؟ پیامبر فرمود: همچنانکه از راه حرام به مجامعت اقدام کنی گناه می‌بری، اگر از راه حلال باشد پاداش و ثواب می‌بری. (۵۰)

#### ۶. نقش سرپرستی و مدیریتی

یکی از نقش‌های اساسی و مهم مرد در خانواده، نقش سرپرستی است.

**مفهوم قوامیت و ریاست شوهر بر زن:** آنچه در فقه و حقوق اسلامی تحت عنوان قوامیت و ریاست شوهر بر زن آمده است، به طور عمده برگرفته از آیه شریفه الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (نساء: ۳۴) است. واژگان «قوام»، «قوامه» و «قیمومت» هم که در متون اسلامی برای بیان ریاست شوهر به کار رفته‌اند، از همین آیه ناشی شده‌اند.

«قوامه» در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال و ولایت امر آمده (۵۱) و به حمایت و سرپرستی نیز معنا شده است (۵۲) و نیز گفته‌اند که «قوامه» در لغت به معنای محافظت کردن و رعایت مصالح فرد است. (۵۳) «قیم» که از همین ریشه است، به معنای کسی است که بر امور چیزی قیام می‌کند، و متولی آن می‌شود و آن را اصلاح می‌نماید. (۵۴) «قوام» نیز به معنای قیم است، (۵۵) با این تفاوت که قوام، ابلغ و رساتر می‌باشد و او کسی است که قیام‌کننده و عهده‌دار مصالح، تدبیر و تأدیب است. (۵۶) برخی گفته‌اند: از ماده «قیام» وقتی با «علی» متعدی می‌شود به معنای سرپرستی و سیاست کردن امور است. (۵۷)

است. قرآن بهار دل‌های خزان‌زده و مایه طراوت اندیشه‌های افسرده و راکد است. قرآن شفای دل‌ها و ریسمان الهی است؛ هرکس به آن چنگ زند نجات یابد و هرکس آن را رها کند هلاک گردد.

امیرمؤمنان علیه السلام فرزندش امام حسن علیه السلام را این‌گونه به قرآن سفارش می‌کند: «خدا را خدا را درباره قرآن؛ مبادا دیگران در فهم قرآن بر شما پیشی بگیرند.» (۴۳)

آموزش این کتاب آسمانی، از حقوق مسلم فرزندان است که پدران باید از عهده آن برآیند، و آنان را با قرآن آشنا سازند؛ بدین معنا که یا خود شخصاً قرآن را به آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد.» (۴۴)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «به فرزندان سوره "یس" بیاموزید؛ زیرا این سوره، گل [باغ] قرآن است.» (۴۵)

#### ۵. نقش جنسی

یکی از نقش‌های مهم مرد در خانواده نقش جنسی است. از این رو، در آموزه‌های دین و فقه اسلامی درباره آن تأکید و سفارش شده است. در فقه اسلامی در زمینه ارضای غریزه جنسی حقوق و تکالیف متفاوتی را برای زن و مرد قایل شده‌اند. (۴۶) با این‌همه، اسلام بر تأمین نیازهای جنسی زن در چهارچوب خانواده، به طور خاص تأکید کرده است و از این نظر، کارکرد یادشده را هم درباره مردان و هم زنان صادق می‌داند. حق هم‌بستری که به موجب آن شوهر مجاز نیست بدون رضایت زن بیش از چهار ماه از هم‌بستر شدن با وی خودداری ورزد، (۴۷) وجوب ارضای نیاز جنسی زن توسط شوهر در مواردی که خطر آلوده شدن زن به گناه درکار باشد (۴۸) و تأکید بر لزوم ملاعبه (معاشقه یا بازی جنسی یا شوخی جنسی بین زن و شوهر، به ویژه پیش از عمل زناشویی) نمونه‌هایی از

برخوردار است و به اختصار به سرپرستی، حمایت، مسئولیت‌گرداندگی امور، محافظت و رعایت مصالح باز می‌گردد، چنان‌که در تفسیر خسروی آمده است: «قوامون یعنی مردان بر امور زنان ایستادگی می‌کنند و از آنها با رعایت و مراقبت کامل محافظت می‌نمایند.» (۵۹) در تفسیر الفرقان نیز قوام به مراقبت نیکو و حراست شایسته از زنان معنا شده است. (۶۰)

در ادامه آیه، خداوند دو سبب برای قوامیت مردان ذکر می‌کند:

الف. ﴿بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾؛ به سبب بعضی فزونی‌ها که خداوند برای برخی نسبت به برخی دیگر مقرر داشته است. این تعلیل، بیانگر سبب فطری (۶۱) و خدادادی (۶۲) است؛ یعنی مرد به سبب صلابت فکر و اندیشه معاش زیادتر و توان و نیروی بدنی بیشتر، به این مسئولیت برگزیده شده است و همان‌گونه که در مبحث پیشین بیان گردید، چنین امری در راستای دادگری، حکمت‌اندیشی و رعایت مصالح است. آیه شریفه نیز با تعبیری حکیمانه نشان می‌دهد که برتری و فزونی، متقابل است و اختصاص به مردان ندارد، بلکه زنان در برخی جهات برتری یافته‌اند. (۶۳) از سوی دیگر، قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ (نساء: ۳۲)؛ چیزی را که خداوند به آن، بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است، آرزو نکنید.

ب. ﴿وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾؛ و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. این تعلیل، نشانگر سبب کسبی (۶۴) و اجتماعی (۶۵) قوامیت مردان بر زنان خویش است؛ زیرا با آنکه ازدواج و فواید مترتب بر آن، مشترک میان زن و مرد است، اما مرد به دلیل توانایی و قدرت بدنی به امر شریعت الهی، مکلف به تأمین معاش

خداوند در آیه ۳۴ سوره مبارکه «نساء» می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاحْضِرُوهُنَّ إِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ (نساء: ۳۴)؛ مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خداوند برای آنان قرار داده حفظ می‌کنند و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید، (و اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری نمایید، (و اگر هیچ راهی بجز شدت عمل برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود) آنها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنان نجوید، (بدانید) خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و قدرت او بالاترین قدرت‌هاست). (۵۸)

دلالت این آیه بر ریاست مرد بر همسرش روشن است، اما برای فهم بهتر مفاد آیه، نکاتی توضیح داده می‌شود:

واژه «قوامون» در آیه، جمع قوام است و قوام صیغه مبالغه از ماده قیام است و قیام به معنای ایستادن و برخاستن، ماده‌ای است که بر حسب نوع استعمال و بر اساس قرینه‌های کلامی، دارای معانی خاصی می‌شود که جامع این معانی تصدی امر و عهده‌دار شدن کاری می‌باشد.

قوام بودن مرد بر زن نیز گرچه متضمن نوعی تسلط و اشراف است، لیکن همان‌گونه که در ابتدای بحث در بیان مفهوم ریاست آوردیم، این معنا از دقت و ظرافت خاصی

و تهیه مخارج زندگی شده و زن از این وظیفه معاف گشته است و به تبع آن، حق ریاست و نظارت به مرد واگذار گردیده است.

در منابع روایی نیز احادیث زیادی درباره ریاست شوهر و لزوم اطاعت همسرش از وی وجود دارد که در ذیل، به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

الف) در کتاب **جامع احادیث الشیعة** (۶۶) به نقل از مرحوم صدوق در **الفقیه** (۶۷) آمده است: «امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خدا رحمت کند مردی را که رابطه میان خود و زنش را به نیکی برگزار کند، پس خداوند او را سرپرست و قیم بر آن زن قرار داده است.»

این حدیث معتبر (۶۸) به روشنی بر مقام قوامیت و ریاست شوهر بر همسرش دلالت دارد، البته با فرض اینکه مرد به وظایف خود عمل کند و حقوق همسر خویش را به نحو شایسته ادا نماید.

ب) در برخی منابع روایی شیعه (۶۹) و نیز بسیاری از منابع روایی اهل سنت (۷۰) حدیث معروفی، با تعبیری کم و بیش مختلف، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «همه شما سرپرست و نگاهبانید و در برابر آن مسئولیت دارید. امام سرپرست امور مردم است و در برابر آن مسئولیت دارد و مرد سرپرست امور خانواده است و در برابر خانواده مسئولیت دارد و زن در منزل همسرش سرپرست امور خانه است و در برابر آن مسئولیت دارد.»

#### ۷. نقش تمکینی

در متون اسلامی جایگاه همسری زن مورد توجه جدی بوده و به رفتارهای مورد انتظار از زن در ایفای نقش همسری گاه با عنوان کلی «حسن التبعل» (۷۱) (خوب شوهرداری کردن) و گاه با اشاره‌های دیگری، توجه شده است.

در قرآن کریم به برخی رفتارهای شایسته و مورد

انتظار در جایگاه همسری اشاره گردیده (۷۲) و در روایات به طور مفصل به آن پرداخته شده است. برخی از مصادیق و نمودهای نقش همسری، واجب می‌باشند که به آنها «وظایف حقوقی» می‌گویند و برخی نیز مستحب‌اند که از آنها تحت عنوان «مسائل اخلاقی» یاد می‌شود. در اینجا به نمونه‌هایی از مسائل حقوقی و اخلاقی که از مصادیق نقش همسری است، اشاره می‌شود:

الف. **تمکین**: یکی از موضوعات اساسی در نقش همسری، مسئله تمکین و اطاعت زن از شوهر است. زن موظف است در اموری از شوهر اطاعت کند و نافرمانی ننماید. اطاعت زن و فرمان‌برداری او از همسرش را در اصطلاح فقها «تمکین» می‌گویند.

تمکین (اطاعت از شوهر) یکی از وظایف مهم، بلکه از اصلی‌ترین وظایف زن به شمار می‌رود و از مسائل ضروری و مسلم در آیین اسلام می‌باشد. زن وظیفه دارد شرعاً و قانوناً از شوهر خود در امور مشخص‌شده‌ای اطاعت کند و چنانچه در وظایف مشخص‌شده، نافرمانی کند (ناشزه)، نفقه‌ای بر عهده مرد نمی‌آید و زن حق تقاضای نفقه ندارد.

**تعریف تمکین**: تمکین در لغت به معنای جای دادن، پابرجا کردن، قادر و مسلط گردانیدن کسی بر چیزی و... آمده (۷۳) و در اصطلاح فقها و حقوق‌دانان به معنای آماده بودن زن برای شوهر است؛ یعنی آماده بودن و اطاعت شوهر در روابط جنسی در هر زمان که شوهر بخواهد، مگر اینکه زن عذر شرعی داشته باشد. (۷۴)

ب. **تصرف نکردن در اموال شوهر مگر با اجازه**: زن، امین شوهر است و باید پاسدار خوبی برای امانت و اموال شوهر باشد. اگر زن بخواهد در اموال همسرش تصرف نماید (هزینه کند)، باید از شوهرش اجازه داشته باشد، اگرچه برای صدقه دادن باشد. البته اگر شوهر اجازه کلی

ایفای این نقش باید مشکلات پیش از بارداری، مانند دوران عادت ماهانه و هنگام بارداری و وضع حمل و رسیدگی به امور فرزند از شیردادن و غیره را تحمل کند.

آیا حکیمانه است که بگوییم زن با داشتن این همه مشکلات و وظایف، از امکانات روحی و روانی مشابهی با مردان - که به طور طبیعی فارغ از این نوع مشکلات هستند - برخوردار باشد؟ آیا این عدالت است؟ آیا مشابه بودن این دو معقول است؟ اگر زنان را به گونه مردان قرار دهند ظلم در حق آنهاست و اگر مردان را چنان قرار دهند که زنان را قرار داده‌اند، یعنی با هویتی که بتواند در مقابل مشکلات دوام بیاورد، این بیهودگی از اتقان صنع به دور است.

قرآن کریم، علاوه بر تکثیر نسل، غایت دیگری برای جفت آفریدن انسان‌ها ذکر می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقِرُونَ﴾ (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این است که برای شما از [جنس] خودتان همسرانی بیافرید تا بدیشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد؛ هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هاست.

در آیه ۱۸۹ «اعراف» این ویژگی (آرامش‌گری) فقط به زنان نسبت داده می‌شود و به عنوان یکی از علل غایی آفرینش آنان مطرح می‌گردد: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

طبق این آیه، زنان تسکین‌دهنده تلاطم درونی و روانی مردان می‌باشند.

در روایات نیز به این کارکرد زنان اشاره شده است. در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) آمده است: «و اما حق همسر این است که شوهر بداند خداوند او را مایه آرامش و الفت

داده باشد، زن می‌تواند از پول‌های او در مواردی که تشخیص می‌دهد هزینه کند.

امام صادق (علیه السلام) درباره لزوم اجازه زن در رابطه با تصرف در اموال شوهر می‌فرماید: «حق تصرف و هزینه کردن در اموال شوهر را ندارد، مگر اینکه اجازه داشته باشد و اگر بدون اجازه تصرف و هزینه کند، گناهکار است.» (۷۵) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید: «زن حتی برای صدقه باید اجازه بگیرد و بدون اجازه شوهر نباشد.» (۷۶)

**ج. لزوم اجازه شوهر برای روزه مستحبی:** زن می‌باید در هر حال در اختیار شوهر باشد و نباید کاری کند که امکان بهره جنسی از او ممکن نشود. از این رو، زن حق ندارد روزه مستحبی بگیرد، مگر اینکه شوهرش راضی باشد؛ چراکه وقتی زن روزه است از طرفی، ناتوان و بی‌نشاط می‌شود و از طرف دیگر، امکان ارتباط جنسی در حال روزه نیست. البته روزه واجب بحثی دیگر است که هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن بشود و انسان مکلف باید آن را انجام دهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره لزوم کسب اجازه شوهر در روزه مستحبی می‌فرماید: «زن حق ندارد بدون اجازه شوهر روزه مستحبی بگیرد.» (۷۷)

**د. پاکدامنی و عفت:** یکی از وظایف و مسئولیت‌های مهم زن و مرد در زندگی زناشویی و در رابطه با نقش همسری رعایت پاکدامنی و عفت است که البته پاکدامنی در رابطه با زنان مهم‌تر و تأثیرگذارتر است.

## ۸. نقش عاطفی و آرامش‌بخشی

با دقت و توجه در آموزه‌های دینی، مشخص می‌شود که یکی از علل جفت آفریدن انسان، تکثیر نسل وی می‌باشد. روشن است که بار عمده این مسئولیت به دوش زنان، و سنگینی کار متوجه آنان است و نقش مرد در این امر بسیار محدود و موقت است. به طور طبیعی، زن برای

### ۹. نقش مادری

منظور از نقش مادری در اینجا فراتر از مسئله زایش و به دنیا آوردن کودک است. منظور از نقش مادری، ارتباط خاص با فرزندان از زمان انعقاد نطفه تا تولد و از آن زمان تا بزرگسالی است. درباره نقش مادری، به تمام ابعاد آن، یعنی عناصر عاطفی، بهداشتی، تغذیه‌ای و مراقبتی توجه می‌گردد. ایفای نقش مادری از زمان انعقاد نطفه شروع می‌شود و مادر با مراقبت‌های مختلفی که می‌کند، زمینه لازم را برای سلامتی روحی و روانی و جسمی کودک، فراهم می‌سازد. امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق ضمن توجه به فرایند مراقبت‌های مادر از فرزند، به جایگاه و نقش مادر در قبال فرزندان اشاره کرده و می‌فرماید: مادر تو را (فرزند را) به طوری حمل و نگهداری کرده (در درون خود و جای امن) که هیچ‌کس این‌گونه دیگری را حمل و مواظبت نمی‌کند، و از شیرۀ جانش به فرزند داده که هیچ‌کس این کار را درباره دیگری روا نمی‌دارد، با تمام وجود، یعنی به وسیله چشم، گوش، دست و پاها و حتی پوست و مویش، از تو مواظبت کرده، این مواظبت‌ها را با شادی، خنده و نشاط انجام داده، سختی‌های این کار و درد و رنج‌های آن را تحمل نموده تا اینکه با قدرت الهی تو را بزاید و به دنیا بیاورد. بعد از تولد نیز راضی شده فرزندش سیر باشد، در حالی که خودش گرسنه بوده؛ تو را پوشانده در حالی که خودش پوششی نداشته (کنایه از توجه به فرزند)؛ تشنه بوده و تو را سیراب کرده؛ برای تو سایبان فراهم کرده، در حالی که خودش در آفتاب بوده، با سختی فرزندش را نگهداری کرده و زمینه خواب و استراحت او را فراهم ساخته و سینه‌اش و بغلش، منزل و مأوای فرزند بوده و سینه‌اش سیراب‌کننده او بوده و همین‌طور با تمام وجود محافظ فرزند بوده و از سردی و گرمی دنیا، او را محافظت کرده. (۸۴)

قرار داد. پس شوهر بداند که همسرش نعمتی است از جانب خداوند و او را گرامی دارد و با او به نرمی برخورد کند و اگرچه حق شوهر واجب‌تر است، اما مرد موظف است با زن مهربانی و شفقت نماید. (۷۸)

امام رضا (علیه السلام) درباره فواید همسر شایسته می‌فرماید: «هیچ منفعتی بهتر از همسر شایسته نیست؛ همسری که وقتی انسان او را می‌بیند شادمانش گرداند و در موقع نبودن او، نگهدار ناموس و مالش باشد.» (۷۹) یعنی در حضور او، به نوعی او را شادمان می‌کند و در غیبت او هم کاری می‌کند که اگر شوهر متوجه عمل او گردد شادمان شود.

مطالعات روان‌شناسان نیز همین ویژگی‌های روانی را برای زنان بیان می‌کند. (۸۰) افرادی که می‌پندارند وجود این تفاوت‌ها و طبیعی دانستن آنها موجب سوءاستفاده و آزار و اذیت زنان و مجوزی برای اعمال تبعیض‌های ناروا در حق آنان می‌شود و انکار طبیعی بودن این تمایزها تأثیری در رفاه و آسایش زنان دارد، نظریه آموختنی بودن و اکتسابی بودن این تفاوت‌ها را مطرح کرده‌اند. (۸۱) البته هستند کسانی که این تفاوت‌ها را ناشی از طبیعت زن و مرد می‌دانند. (۸۲)

در روایات رسیده از معصومان (علیهم السلام) ضمن اشاره به روش‌های مختلف، به بعد عاطفی بودن زن نیز اشاره شده است.

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: شنیدم شخصی می‌گوید: در محضر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودیم که ایشان فرمود: بهترین زنان شما زنی است که زاینده، مهربان و پاکدامن باشد؛ در میان خاندان خود، بزرگواری و گرامی و با شوهرش فروتن، آراسته به نزد شوهر و پوشیده از دیگران. زنی که حرف همسر خود را می‌شنود و فرمان او را می‌برد. هنگامی که با شوهر خود خلوت کند به خواهش‌های او تن در دهد [با عشو و ناز] نه با دست و دل‌بازی مردانه. (۸۳)

انجام می‌گیرد.  
 ۶. نقش تمکینی از نقش‌های اختصاصی زن است و در دو مصداق (تمکین خاص و عام) نمود دارد.  
 ۷. نقش مادری نیز از نقش‌های اختصاصی زنان است که در آموزه‌های دینی بسیار بااهمیت و مقدس تلقی شده است.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مرتضی مطهری، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۲۶۶.
- ۲- محمدرضا زیبایی‌نژاد، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، ص ۱۱۰-۱۴۰.
- ۳- جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: غلامرضا صدیق اورعی، *تمکین بانو - ریاست شوهر*.
- ۴- مثل تعهد، وفاداری، خوش اخلاقی، قبول مسئولیت خانواده و همراهی با خانواده.
- ۵- نساء: ۱۹.
- ۶- طلاق: ۷.
- ۷- محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۱۷۱.
- ۸- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.
- ۹- همان، ص ۲۲۴.
- ۱۰- همان، ج ۷۱، ص ۵.
11. H. Koenig, *Hand Book of Religion and Mental Health*, p. 283-294.
- ۱۲- روم: ۲۱.
- ۱۳- میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۴، ص ۲۵۲.
- ۱۴- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۲۳.
- ۱۵- محمدبن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۶۴۴.
- ۱۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۳۷.
- ۱۷- همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۵.
- ۱۸- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۳۹.
- ۱۹- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۳۴.
- ۲۰- میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۴، ص ۲۵۰.
- ۲۱- محمد دیلمی، *ارشادالقلوب*، ج ۱، ص ۱۷۵.
- ۲۲- ر.ک: کوئن بروس، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی.
- ۲۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۲۵۶؛ میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۵، ص ۱۴۳.
- ۲۴- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ۲۳۷، ب ۱۱، ح ۱.
- ۲۵- میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۵، ص ۱۶۸؛ محمدتقی فلسفی، *الحديث فلسفی*، ج ۳، ص ۹۲.
- ۲۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۹، ص ۳۰۱؛ امام

در این روایت شریف، امام سجادت عَلَيْهِ السَّلَام به صورت ضمنی به بسیاری از نقش‌های مادرانه، از قبیل مراقبت‌های جسمانی، تغذیه‌ای و... اشاره می‌فرمایند. در روایات و آموزه‌های دینی همچنین به نکاتی اشاره شده که در راستای سلامتی جسمانی فرزندان می‌باشد و به مادران توصیه گردیده تا به آنها پایبند باشند.

برای مثال، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «زنان آبستن در آخرین ماه‌های بارداری خرما بخورند تا فرزندانشان خوش اخلاق و بردبار شوند.» (۸۵)

همچنین ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام سفارش فرموده‌اند که به زنان باردار میوه به بخورانید؛ زیرا میوه به باعث زیبایی چهره، افزایش عقل و هوش و همچنین باعث خوش اخلاقی فرزندان می‌شود. (۸۶)

#### نتیجه‌گیری

با تتبع اجمالی در آموزه‌های دینی و روان‌شناختی، نتایج ذیل حاصل شده است:

۱. نقش همسری از نقش‌های مشترک بین زن و مرد است.
۲. نقش پدری از نقش‌های اختصاصی مردان است که در نمودهایی همچون نقش اقتصادی و نقش تأمین امنیت و حمایتی، تجلی پیدا می‌کند.
۳. نقش آموزشی و تربیتی از نقش‌های مشترک بین زن و مرد است و هریک از آنها در این عرصه وظایفی دارند.
۴. نقش جنسی، یکی از نقش‌های مهم مرد و زن در خانواده است که در آموزه‌های دینی و فقه اسلامی درباره آن تأکید بسیاری شده است.
۵. نقش سرپرستی و مدیریتی یکی از نقش‌های اساسی و مهم مرد در خانواده می‌باشد که با شرایطی

- ۶۱- ر.ک: محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ص ۶۷.
- ۶۲- ر.ک: مقدادبن عبدالله سیوری، کنزالعرفان فی فقه القرآن، ص ۲۱۱.
- ۶۳- محمد صادقی تهرانی، همان، ج ۷، ص ۳۸.
- ۶۴- ر.ک: عزالدین بحرالعلوم، الزواج فی القرآن و السنة، ص ۲۰۵.
- ۶۵- ر.ک: مقدادبن عبدالله سیوری، همان، ص ۲۱۱.
- ۶۶- اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴۵.
- ۶۷- محمدبن علی قمی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۱.
- ۶۸- اعتبار آن به واسطه اسناد قطعی آن توسط شیخ صدوق به امام علیه السلام می باشد.
- ۶۹- میرزا حسین نوری، الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸، ح ۳.
- ۷۰- محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۸۵، ح ۵۲۰۰؛ احمدبن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۹، ص ۴۰۹، ح ۱۲۹۵۵.
- ۷۱- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۷، ص ۱۶۶، ح ۱۹۱.
- ۷۲- نساء: ۳۴.
- ۷۳- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۴، ص ۶۱۱۸.
- ۷۴- محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۲۸۹.
- ۷۵- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۱۵۹.
- ۷۶- همان، ص ۱۵۸.
- ۷۷- همان.
- ۷۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۵، ح ۱.
- ۷۹- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۳۹.
- ۸۰- ر.ک: ریتا، اتکینسون و همکاران، درآمدی به روان شناسی، ترجمه حسن مرندی، ج ۱، ص ۱۱۴.
- ۸۱- همان، ص ۱۰۸-۱۰۰ و ۱۱۷.
- ۸۲- همان، ص ۳۸۷ و ۴۱۶.
- ۸۳- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۲۹.
- ۸۴- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۰، ب ۳.
- ۸۵- همان، ج ۱۶، ص ۳۸۴.
- ۸۶- همان، ص ۴۰۲.
- خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۲۷.
- ۲۷- حسن بن یوسف حلّی، مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۳۱۴.
- ۲۸- همو، تذکرة الفقها، ج ۲، ص ۲۷۳.
- ۲۹- همان، ص ۸۰ و ۵۸۶.
- ۳۰- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ب ۷۱، ص ۱۷۹.
- ۳۱- همان، ج ۱۴، ب ۶، ص ۲۰۹، همچنین، ر.ک: ب ۱۲، ص ۲۲۰.
- ۳۲- حسن بن یوسف حلّی، مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۷.
- ۳۳- مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۳۶۴.
- ۳۴- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۰۵.
- ۳۵- ر.ک: محمود منصور و پریخ دادستان، روان شناسی ژنتیک ۲، ص ۱۳۹؛ پاول اس. کاپلان، روان شناسی رشد (سفر پرماجری کودک)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ص ۲۸۰-۲۸۱.
- ۳۶- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۷.
- ۳۷- حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۷.
- ۳۸- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳ و ۱۹۸؛ حسام الدین متقی هندی، همان، ج ۶، ص ۴۱۷، با کمی تفاوت.
- ۳۹- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۶.
- ۴۰- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۰۰؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۱.
- ۴۱- ورامین ابی فراس، مجموعه ورام، ص ۳۵۸.
- ۴۲- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۳، ص ۱۲.
- ۴۳- ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۱۹۴.
- ۴۴- حسام الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۱۷.
- ۴۵- محمدبن حسن طوسی، الامالی، ج ۲، ص ۲۹۰؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۲۵.
- ۴۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۰۰.
- ۴۷- همان، ج ۲۰، ص ۱۴۰.
- ۴۸- همان.
- ۴۹- همان، ص ۱۱۸.
- ۵۰- همان، ص ۱۰۹.
- ۵۱- ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۷۶۸.
- ۵۲- محمد رواس قلعه جی، الموسوعة الفقهية المسیره، ج ۲، ص ۱۶۰۲.
- ۵۳- محمدعلی السایس و همکاران، تفسیر آیات الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۵.
- ۵۴- وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة کویت، الموسوعة الفقهية، ج ۳۴، ص ۷۵.
- ۵۵- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۸.
- ۵۶- حسین بن مسعود بغوی، تفسیر البغوی، ج ۱، ص ۴۲۲.
- ۵۷- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۶۲.
- ۵۸- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۱۱.
- ۵۹- علیرضا میرزا خسروانی، تفسیر خسروی، ج ۲، ص ۱۹۷.
- ۶۰- محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۶.

#### منابع .....

- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- اتکینسون ریتا، و همکاران، درآمدی به روان شناسی، ترجمه حسن مرندی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- السایس، محمدعلی و همکاران، تفسیر آیات الاحکام، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ق.
- بحرالعلوم، عزالدین، الزواج فی القرآن و السنة، بیروت،



- دارالزهراء، ۱۴۰۴ق.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، **صحیح بخاری**، بیروت، دارالجلیل، بی تا.
- ۱۴۰۵ق.
- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۴۰۳ق.
- ابی فراس، ورام بن، **مجموعه ورام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- بیهقی، احمدبن حسین، **السنن الکبری**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، **وسائل الشیعه**، تهران، المكتبة الاسلامیه، بی تا.
- ۱۴۱۲ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، **تذکره الفقهاء**، تهران، المكتبة الرضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۸ق.
- دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ق.
- **مختلف الشیعه**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- منصور، محمود و پریرخ دادستان، **روان شناسی ژنتیک ۲**، تهران، رشد، ۱۳۷۴ق.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ق.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، **تحریر الوسیله**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ق.
- دیلمی، محمد، **ارشاد القلوب**، نجف، المطبعة الحیدریه، بی تا.
- مهریزی، مهدی، **شخصیت و حقوق زن در اسلام**، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ق.
- رشیدرضا، محمد، **تفسیر المنار**، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- زیبایی نژاد، محمدرضا، **درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹ق.
- سیوری، مقدادبن عبدالله، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، تهران، مكتبة مرتضویه، بی تا.
- صادقی تهرانی، محمد، **الفرقان فی تفسیر القرآن**، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- صدیق اورعی، غلامرضا، **تمکین بانو - ریاست شوهر**، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.
- طوسی، محمدبن حسن، **الامالی**، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- فراء البغوی، حسین بن مسعود، **تفسیر البغوی**، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۷ق.
- فلسفی، محمدتقی، **الحديث**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ق.
- قمی، محمدبن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- کاپلان، پاول اس، **روان شناسی رشد (سفر پرماجری کودک)**، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، رسا، ۱۳۸۳ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۱ق.
- کوئن، بروس، **درآمدی به جامعه شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰ق.
- متقی هندی، حسام بن الدین، **کنز العمال**، بی جا، مؤسسه الرساله،

صفحه ۱۴۴ سفید



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی